آذر ۱۳۵۷، امام خمینی(ره) در دوره اقامت در دهکده نوفل لوشاتو، در حومه پاریس

من هر کجا بروم، حرفم را می‌زنم!

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در نوفل لوشاتو، زمینه‌ها و پیامدها

گزارش

مریم صادقی‌پری
روزنامه‌نگار

یکی از مقاطع مهم در نهضت امام‌خمینی(ره) که نقش برجسته‌ای در ظهور انقلاب اسلامی ایران داشت، مهاجرت ایشان از عراق به فرانسه، در بازه زمانی ۱۴مهر تا ۱۲بهمن ۱۳۵۷بود. اوج‌گیری مبارزات مردم ایران، محمدرضا پهلوی را بر آن داشت، تا برای در امان‌ماندن از فعالیت‌های امام‌خمینی(ره) از رژیم بعثی عراق بخواهد، تا مانع از تحرکات امام(ره) علیه رژیم پهلوی شود. امام خمینی(ره) زیر بار این محدودیت‌ها نرفت و در نهایت، کشور فرانسه را به‌عنوان محل مبارزات خود علیه حکومت پهلوی انتخاب کرد و طبعا در آنجا، بهتر توانست انقلاب را رهبری کند. در مقال پی آمده، به چند و چون این مهاجرت و انتخاب کشور فرانسه به‌عنوان مقصد پرداخته‌ایم.

باید از عراق بروید!

بعد از انعقاد قرارداد الجزایر بین ایران و عراق در ۱۵اسفند ۱۳۵۳، طرفین پذیرفتند که همه عوامل منفی را، در روابط خود از بین ببرند. براساس این قرارداد، حکومت پهلوی می‌بایست در قبال مسئله کردها، سیاست حمایت‌آمیز خود را کنار بگذارد و در عوض از دولت عراق خواست که فعالیت‌های مخالفان شاه، از جمله امام خمینی(ره) را محدود و از آن جلوگیری کند. از این زمان حزب بعث، عرصه را بر امام(ره) و یارانش تنگ و تنگ‌تر کرد، تا جایی که پس از محاصره منزل ایشان توسط مأموران استخبارات عراق، ارتباط ایشان با یارانش بسیار محدود شد و سرانجام تصمیم به خروج از عراق گرفت. امام‌خمینی(ره) درباره علت این تصمیم، در پیامی در ۱۵مهر ۱۳۵۷ متذکر شد: «مقامات عراق به من هشدار دادند که به‌دلیل روابطی که با رژیم ایران دارند، نمی‌توانند فعالیت‌های من را تحمل کنند. من به آنها پاسخ دادم که اگر شما مسئولیت‌هایی نسبت به حکومت ایران داشته باشید، من هم در برابر اسلام و ملت ایران مسئولم و باید به وظیفه الهی و معنوی خود عمل کنم... .» ایشان در بخش دیگری از اعلامیه، در تأکید بر مطلب پیشین آورده‌اند: «اگر می‌ماندم، خود را در برابر ملت ایران گنهکار احساس می‌کردم، اما من نمی‌توانم بی‌تفاوت بمانم... .» ۱

ممانعت از ورود امام خمینی(ره) به کویت

امام خمینی(ره) بعد از خروج از عراق، مقصد خود را کشور کویت انتخاب کرد و به همراه فرزندش مرحوم حاج سیداحمد خمینی و چند تن از یارانش، به وسیله اتومبیل به سمت مرز کویت رفتند. دولت کویت، مانع از ورود رهبر نهضت اسلامی به خاک آن کشور شد. بلافاصله سفیر شاه در کویت از قول یک مقام کویتی اطلاع داد: «آیت‌الله خمینی ساعت ۱۵ به وقت ایران، به مرز کویت وارد شده، ولی مقامات کویتی از ورود وی جلوگیری به عمل آورده‌اند... .» به اذعان ارتشبد قره‌باغی، وزیر کشور وقت، اصلی‌ترین عاملی که مانع از ورود امام(ره) به کویت شد، فشار دولت انگلیس بود. آنتونی پارسونز، سفیر وقت انگلیس در ایران، در ملاقاتی به قره‌باغی گفته بود: «به‌طوری که ملاحظه کردید، وقتی خمینی خواست از عراق به کشور کویت برود، چون کشور کویت از کشورهای دوست نزدیک انگلستان است، برای اینکه خمینی در همسایگی ایران نتواند علیه دولت ایران تحرکات بکند، از دولت دوستمان کویت خواستیم که اجازه ورود به خمینی را ندهد... .» ۲

ابراهیم یزدی که از همراهان امام(ره) در آن سفر بود، نکات جالب توجهی را از شرایط آن مقطع و وضعیت رهبر نهضت اسلامی مردم، در خاطراتش آورده است: «سپس مردی را دیدم که با جثه‌ای نحیف، اینجا روی نیمکت دراز کشیده است، از دنیا هیچ ندارد، جز یک قلم که با آن پیام خود را می‌نویسد و برای مردمش می‌فرستد. در آن طرف مرز، در ایران، مردی بر تخت سلطنت تکیه زده است که یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌ها در منطقه است. رژیم شاه یکی از مقتدرترین حکومت‌های خاورمیانه است. شاه به برکت درآمد نفت و اجرای سیاست موازنه مثبت، توانسته است همه دولت‌ها و ابرقدرت‌ها را از خود راضی و حمایت آنها را جلب کند. شاه بزرگ‌ترین ارتش منطقه را دارد... .» ۳

وقتی مقصد پاریس شد

علت انتخاب کشور فرانسه، از جمله مباحث مهم در انقلاب اسلامی است که نقل قول‌های متفاوتی درباره آن وجود دارد. ابراهیم یزدی در کتاب خود، پیشنهاد اصلی برای هجرت امام(ره) به پاریس را، به خویشتن نسبت می‌دهد و علت این پیشنهاد را، به‌دلیل سال‌ها حضور وی در کشورهای غربی و آشنایی با شرایط آن کشورها و داشتن اطلاعات وسیع، عنوان می‌کند. با این حال مرحوم حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی، فرزند امام خمینی(ره)، در رد این ادعاها می‌گوید: «من صریحاً بیان می‌کنم که امام خود تصمیم به هجرت گرفتند و هیچ‌کس در رفتن امام‌خمینی به پاریس دخالتی نداشت. فقط من پاریس را در آن شب عنوان کردم که ایشان پذیرفتند... اگر کسی مدعی است که آقای خمینی را به پاریس آورده یا برده است... دروغ محض است... هیچ‌کس از هجرت ایشان به جز من و چند نفر از دوستان معمم نجف، خبری نداشت.» ۴

همچنین امام‌خمینی(ره) در وصیتنامه خود تأکید می‌کند که انتخاب پاریس به توصیه هیچ فردی نبوده و صرفاً ایشان پس از مشورت با فرزندشان حاج‌سیداحمد خمینی، این تصمیم را گرفتند: «از قرار مذکور بعضی‌ها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده. این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد، پاریس را انتخاب نمودم، زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه‌ندادن بود، چراکه آنان تحت نفوذ شاه بودند، ولی پاریس این احتمال نبود... .» ۵

پاسخ امام(ره) به هشدار کاخ الیزه

هجرت امام خمینی(ره) و همراهانش به فرانسه، بدون اطلاع دولت این کشور و به‌صورت غیرمنتظره صورت گرفت. در زمان ورود به این کشور، ژیسکاردستن (رئیس‌جمهور فرانسه) در برزیل به سر می‌برد. از همان شب اول ورود امام(ره) به پاریس، نمایندگانی از کاخ الیزه به دیدار ایشان رفتند و گفتند: «حق ندارید کوچک‌ترین کاری انجام دهید... .» امام(ره) به آنها چنین پاسخ داد: «ما فکر می‌کردیم اینجا مثل عراق نیست، من هر کجا بروم حرفم را می‌زنم، من از فرودگاهی به فرودگاه دیگر و از شهری به شهر دیگر سفر می‌کنم، تا به دنیا اعلام کنم که تمام ظالمان دنیا دستشان را در دست یکدیگر گذاشته‌اند، تا مردم جهان صدای ما مظلومان را نشنوند، ولی من صدای مردم دلیر را به دنیا خواهم رساند، من به دنیا خواهم گفت که در ایران چه می‌گذرد... .» ۶

گرچه دولت فرانسه تمایلی به حضور امام(ره) در این کشور نداشت، اما به گفته سولیوان، سفیر وقت آمریکا در ایران، جعفر شریف امامی نخست‌وزیر ایران معتقد بود: «[امام] خمینی به محض ورود به پاریس، از خاطره‌ها محو و فراموش خواهد شد... .» پیر سالینجر، روزنامه‌نگار و سیاستمدار آمریکایی که در آن روزها حوادث ایران را دنبال می‌کرد، در مورد علت عدم‌اخراج امام(ره) از پاریس می‌نویسد: «ورود آیت‌الله خمینی به پاریس، هم فرانسوی‌ها و هم آمریکایی‌ها را بهت‌زده کرد! به مجرد آنکه ژیسکاردستن به فرانسه بازگشت، دستور اخراج آیت‌الله را صادر کرد، ولی شب پیش از شبی که بنا بود امام کشور را ترک کند، از کاخ شاه تلفنی به کاخ الیزه شد و سخن‌گویی بالحنی عصبانی از طرف شاه، درخواست نمود که آیت‌الله را تبعید نکنید، ما در تهران با شورش مردم روبه‌رو خواهیم شد... .» ۷

با وجود آنکه دولت فرانسه متقاعد شد، حضور امام‌خمینی(ره) در فرانسه مورد تأیید دولت ایران است، اما شرایطی را ایجاد کرد که امام در فرانسه هم، از آزادی کامل برخوردار نباشد و شدیداً ایشان را تحت کنترل قرار داد. مرحوم سیدحاج احمد خمینی در نامه‌ای که در ۲۳مهر ۱۳۵۷ برای همسرش ارسال کرد، به این مسئله اشاره می‌کند و می‌نویسد: «دیروز قریب ۲هزار پسر و دختر، در سالنی جمع شده بودند از سراسر اروپا، تا به سخنرانی امامشان گوش دهند که ناگهان نماینده ژیسکاردستن با دستی لرزان که فکر می‌کرد وارد درباری می‌شود و از سادگی اوضاع تعجب کرده بود، از رفتن ایشان با کمال احترام جلوگیری کردند... .» ۸ با همه سختگیری‌ها، امام خمینی(ره) در فرانسه، شبانه روز کار می‌کرد. به گفته حاج سیداحمد خمینی: «روزی نبود مگر اینکه سخنرانی‌ای داشتند و یا مصاحبه و اعلامیه‌ای... .» ۹

امام(ره) سخنگو ندارد!

پس از ورود امام خمینی(ره) به فرانسه، به نقل از مرحوم حجت‌الاسلام اسماعیل فردوسی‌پور -از یاران امام در پاریس- عده‌ای از همراهان ایشان تصمیم گرفتند، تا کمیته‌ای به نام «کمیته تصمیم‌گیری» تشکیل دهند و در مورد محل اقامت، ترجمه اعلامیه‌ها، پیام‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، ارتباطات تلفنی و... تقسیم کار شود. وی در ادامه خاطره خود، نکته در خور توجهی را بیان می‌کند که نشانگر درایت امام(ره) است: «قرار شد درباره کیفیت سفر امام، اطلاعیه‌ای داده شود. پس از تهیه اطلاعیه در مورد امضای آن، اختلاف نظر شد که به چه عنوانی باشد؛ رئیس دفتر مخصوص یا رئیس کمیته برنامه‌ریزی و...؟ موضوع با امام در میان گذاشته شد. ایشان فرمودند: نه رئیس دفتر به‌دنبال من ببندید، نه این انجمن‌های دیگر، من یک آخوندم، یک طلبه هم پای تلفن باشد، کافی است، هیچ‌یک از این چیزها لازم نیست... اعلامیه مذکور نیز به‌عنوان اطرافیان امام امضا و منتشر شد.» ۱۰

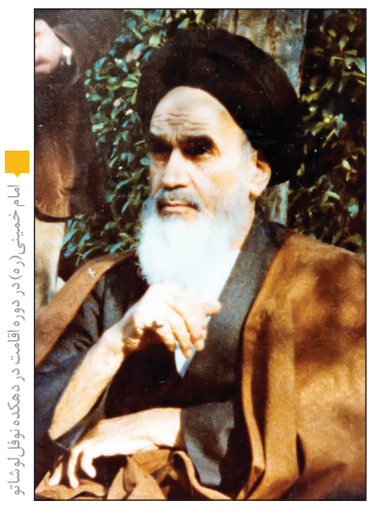

امام خمینی(ره) در دوره اقامت در دهکده نوفل لوشاتو

از همان شب اول ورود امام(ره) به پاریس، نمایندگانی از کاخ الیزه به دیدار ایشان رفتند و گفتند: «حق ندارید کوچک‌ترین کاری انجام دهید... .» امام(ره) به آنها چنین پاسخ داد: «ما فکر می‌کردیم اینجا مثل عراق نیست، من هر کجا بروم حرفم را می‌زنم، من از فرودگاهی به فرودگاه دیگر و از شهری به شهر دیگر سفر می‌کنم، تا به دنیا اعلام کنم که تمام ظالمان دنیا را در دست یکدیگر گذاشته‌اند، تا مردم جهان صدای ما مظلومان را نشنوند، ولی من صدای مردم دلیر را به دنیا خواهم رساند...»

پس از آنکه امام خمینی(ره) در نوفل لوشاتو مستقر شد، خبرنگاران بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا، برای مصاحبه به دیدار ایشان می‌رفتند. از آنجا که احتمال داشت، خبرگزاری‌ها برخی تحلیل‌های اطرافیان امام(ره) را به‌عنوان مواضع امام(ره) تلقی کنند، در نوفل لوشاتو پلاکاردی مبنی بر اینکه امام(ره) هیچ سخنگویی ندارد، نصب شده بود. با این درایت امام(ره)، جلوی هرگونه شبهه‌افکنی و سوءاستفاده احتمالی دشمنان گرفته شد. ۱۱

کلام آخر

می‌توان گفت که هجرت امام خمینی(ره) به فرانسه، برای رژیم پهلوی فاجعه‌بار بود. سفیر وقت آمریکا اذعان دارد که به محض ورود رهبر انقلاب اسلامی به پاریس: «آیت‌الله در مرکز توجه مطبوعات و محافل سیاسی جهان و در دسترس تلویزیون‌های دنیا قرار گرفت. چهره عجیب و استثنایی این مرد روحانی که زیر درختی در حومه پاریس نشسته و از هزاران کیلومتر دورتر با سخنان آتشین خود بر ضدشاه انقلابی را رهبری می‌کرد، توجه همه جهانیان را به‌خود جلب کرده بود... .» ۱۲

امام خمینی(ره) در مدت حضور در نوفل لوشاتو با بیانات خود، همچون گذشته به افشاگری درخصوص جنایات رژیم پهلوی و دسیسه‌های استعمارگران پرداخت. چنان که در یکی از این بیانات، آمریکا، شوروی و غرب را، عامل مؤثر در تشکیل احزاب و جبهه‌های متعدد و رودررویی ترک، فارس، کرد، بلوچ و... از دوره مشروطیت به بعد در ایران می‌داند و می‌فرمایند: «باید بیدار بشود، نسل جوان توجه پیدا کند، نسل جوان به این نقشه‌های شیطانی دقت کند... این خیانت به یک ملت است که به واسطه اختلافات ما خنثی بشود. این حرکتی که در ایران پیدا شده... همه با هم همصدا باشیم... همه بگویند نه، نه محمدرضا شاه و نه سلسله پهلوی و نه لندن و نه آمریکا و نه شوروی، خودمان، اسلام، مسلمین... اگر این اتحاد را حفظ کردید و پیشرفت کردید، نجات پیدا کرده‌اید... .» ۱۳

حضور امام خمینی(ره) در نوفل لوشاتو، محافل جهانی را متوجه ایشان کرد و متعاقب آن، حرکت مردم ایران در کانون توجه قرار گرفت. از این تاریخ به بعد، رژیم ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی تنها ۴ماه دوام آورد و بعد از آن، بساط حکومت پهلوی در هم پیچیده شد.

منابع:
۱- بیانیه ۱۵مهر ۱۳۵۷.
۲- اعترافات ژنرال (خاطرات ارتشبد عباس قره‌باغی)، تهران: نشر نی، ص ۳۲
۳- ابراهیم یزدی، ۶۰ سال صبوری و شکوری، ج ۳، تهران، کویر، ۱۳۹۸ش، ص ۵۳
۴- دلیل آفتاب، خاطرات مرحوم حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۷۹
۵- آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها (مطالبی ناگفته پیرامون انقلاب اسلامی ایران) یزدی، ابراهیم، ص ۴۳۷
۶- از تاریخ: از غربت غرب تا رحمت انقلاب اسلامی: یادی از یادگار امام، نشریه پانزده خرداد، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۳ش، صص ۳۱۲، ۳۱۳
۷- پیر سالینجر، آمریکا در بند، تهران، کتابسرا، ۱۳۶۲ش، ص ۱۰۵
۸- از تاریخ: از غربت غرب تا رحمت انقلاب اسلامی، همان، ص ۳۰۵
۹- احمد خمینی، همان، ص ۷۸
۱۰- اسماعیل فردوسی‌پور، همگام با خورشید، ص ۴۲۲
۱۱- حمید بصیرت‌منش، امام خمینی(ره) از هجرت به پاریس تا بازگشت به تهران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۲۰
۱۲- مأموریت در ایران (خاطرات سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران)، ص ۲۱۵
۱۳- صحیفه امام خمینی(ره)، ج ۴، ص ۲۳۸-۲۳۷

نگاه

فاطمه موسوی؛ تاریخ‌پژوه

مکانت نظم در سیره عملی رهبر کبیر انقلاب اسلامی

روح‌الله، واقعاً روح‌الله است!

یکی از ویژگی بارز امام‌خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی، تقید به نظم بوده است. آنچنان که امیرمؤمنان(ع) در نامه ۴۷نهج‌البلاغه به امام حسن و امام حسین(ع) و همه دریافت‌کنندگان این سخن متذکر شده‌اند: «أُوصِیکُمَا وَ جَمِیعَ وَلَدِی وَ أَهْلِی وَ مَنْ بَلَغَهُ کِتَابِی بِتَقْوَی‌اللهِ وَ نَظْمِ أَمْرِکُمْ وَ صَلَاحِ ذَاتِ بَیْنِکُمْ... من شما را و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی را که این وصیتنامه به آنان خواهد رسید، به پرهیزگاری و نظم امور خودتان وصیت می‌کنم... ».

در تمامی برنامه‌های زندگی امام‌خمینی (ره)، نظم، دقت و وقت‌شناسی حرف اول را می‌زد. مسئله نظم و انضباط آن بزرگ، زبانزد عام و خاص است و از دوران جوانی، اهتمامی جدی بدان داشتند و سعی می‌کردند که فرصت‌های خود را به‌گونه‌ای مناسب تقسیم کنند تا حداکثر استفاده از آن را بنمایند. تقسیم اوقات ایشان به‌صورتی بود که دیگران حتی اوقات شرعی و عادی خود را، براساس حرکات و رفت‌وآمدهای حضرت امام(ره) تنظیم می‌کردند. ایشان بخشی از وقت خود را، به مطالعه و تحصیل علوم و بخشی دیگر را به تدریس و تبلیغ دین و عبادت و بندگی خداوند و زمانی را برای رسیدگی به اوضاع خانواده اختصاص می‌دادند. با شروع نهضت امام‌خمینی(ره) علیه رژیم پهلوی، با وجود مشغله‌های جدید و موانع و سختی‌ها، همچنان به انجام منظم برنامه‌های خود تقید داشتند. نظم و وقت‌شناسی ایشان به‌گونه‌ای بود، که حتی اطرافیان امام(ره) بهت‌زده و شگفت‌زده می‌شدند و در خاطراتشان به آن اشارت برده‌اند. آیت‌الله شاه‌آبادی (استاد امام(ره))، نظم ایشان را اینگونه توصیف کرده‌اند: «روح‌الله، واقعاً روح‌الله است! نشد یک روز ببینم که بعد از بسم‌الله درس حاضر باشد، بلکه همیشه قبل از شروع درس حضور داشته‌اند... ».

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی که در نجف از نزدیک شاهد احوالات امام(ره) بوده است، در این‌باره می‌نویسد: «در نجف اشرف من یادم هست، هر شب از ساعت ۸شب تا ساعت ۹شب، در حیاط منزلشان جلوس می‌کردند و شاگردان و دوستان ایشان هم می‌آمدند خدمت ایشان و در این جلسه شرکت می‌کردند. سؤال می‌کردند و ایشان هم پاسخ کوتاه می‌دادند و درست سر ساعت ۹ که می‌شد، ایشان برای رفتن به حرم حضرت امیر(ع) حرکت می‌کردند. این نظم و انضباط برای شاگردان امام یک درس عملی بود... ».

امام در ۲۴ساعت، نیم ساعت را به قدم‌زدن اختصاص داده بودند و طبق برنامه، در حیاط قدم می‌زدند. آیت‌الله نصرالله شاه‌آبادی در این‌باره روایت می‌کند: «منزل امام(ره) در نجف، یک خانه کوچک ۴۵متری بود و ایشان برای قدم‌زدن، هر روز نیم ساعت قبل از غروب، به پشت بام رفته و آنجا مشغول قدم‌زدن می‌شدند، زیرا حیاط کوچک بود و جای قدم‌زدن نداشت... ».

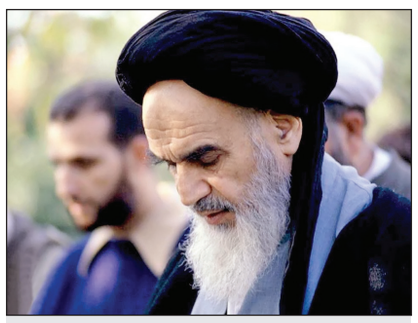

امام‌خمینی(ره) در حال اقامه نماز جماعت در دوران اقامت در نوفل لوشاتو

امام تا حدی در برنامه روزانه مقید به نظم بود که حتی مصیبتی مانند از دست‌دادن فرزندشان نیز خللی در آن به‌وجود نیاورد! حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدحمید روحانی در خاطرات خویش، به این مسئله اذعان کرده‌اند: «ایشان خیلی قاطعانه در مقابل این فاجعه بزرگ و مصیبت کمرشکن، ایستادگی کردند و در برنامه درس و نماز و مطالعاتشان، کوچک‌ترین تغییری به‌وجود نیامد. حتی برادرمان حاج‌سید احمد آقا می‌گفتند: امام مشغول مطالعه کتابی بودند که من فکر کردم با این ضایعه‌ای که امروز به وجود آمده و امام یک چنین فرزند عزیزی را از دست داده‌اند، خواه ناخواه نمی‌توانند درس مطالعه کنند و شاید برای اینکه خودشان را سرگرم کنند، کتابی را جلوی خودشان گذاشته‌اند، اما بعد که دقت کردم، از روی نشانی که روی کتاب گذاشتند، دیدم در یک روز حدود ۳۰۰صفحه از آن کتاب را مطالعه کرده بودند... ».

خانم مرضیه دباغ (حدیدچی) که در تمام مدت ۴ماه در نوفل لوشاتو در خدمت امام(ره) بوده است، برنامه زندگی ایشان را اینگونه بیان می‌کند: «ساعات روز و شب امام(ره) چنان تقسیم‌بندی شده بود که ما می‌توانستیم بدون اینکه امام(ره) را ببینیم، بگوییم که مشغول چه کاری‌اند. امام(ره) ساعت ۳بعد از نیمه شب از خواب برمی‌خاستند تا به برنامه‌های عبادی خود بپردازند و نیز برخی از اخبار جهان را که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده بود، بخوانند. صبحانه را ساعت ۷صبح می‌خوردند و بعد از صبحانه تا ساعت ۹، به کارهای مربوط به مسائل داخلی ایران رسیدگی می‌کردند. از ساعت ۹تا ۱۰صبح، کارهای شخصی مربوط به‌خودشان را انجام می‌دادند. از ۱۰الی ۱۲ظهر نیز مصاحبه و دیدارهای خصوصی داشتند. از ۱۲تا ۲بعدازظهر برنامه نماز و نهار بود و بعد از آن یک ساعت استراحت می‌کردند. از ساعت ۳الی ۵بعدازظهر، به کارهای مربوط به انقلاب ایران، در رابطه با خودشان، از قبیل اخبار و نامه‌های رسیده می‌پرداختند. از ساعت ۵بعدازظهر، نماز مغرب و عشا و رسیدگی مجدد به مسائل داخلی ایران ادامه پیدا می‌کرد، تا ساعت ۹شب که موقع شام ایشان بود. بعد از شام تا ساعت ۱۱به رادیوهای مختلف و اخباری که قبلاً ضبط شده بود، گوش می‌دادند و ساعت ۱۱شب می‌خوابیدند. نظم امام نه‌تنها برای من بلکه برای دیگران کاملاً محسوس بود. آن‌قدر که پلیس فرانسه به ما می‌گفت: ما حتی ساعت‌های خودمان را با رفت‌وآمد امام تنظیم می‌کنیم... ».

خاطره‌نگاری تاریخی

ماه عسل ایرانی

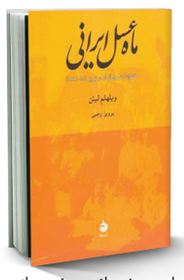

کتاب «ماه عسل ایرانی» با زیر عنوان خاطرات کنسول آلمان در تبریز (۱۵-۱۹۱۴) نوشته «ویلهلم لیتن» را پرویز رجبی به فارسی برگردانده و از سوی نشر ماهی منتشر شده است.

ماه عسل ایرانی بیشتر یک دفتر خاطرات است تا یک سفرنامه. گزارش‌های روزانه ویلهلم لیتن، دیپلمات آلمانی، گاهی چنان بی‌شائبه و خودمانی می‌شود که گویی او را در حضور داری. لیتن در سال ۱۹۱۳ در تهران با دوشیزه‌ای آلمانی ازدواج کرد. اما وقتی می‌خواست به ماه عسل برود، از سوی سفیر آلمان مأمور تأسیس کنسولگری این کشور در تبریز و تصدی آن شد. و این درست زمانی بود که ایران روزهای بحرانی انقلاب مشروطیت را از سر می‌گذراند و در چنبره دولت‌های بیگانه که آتش جنگ جهانی اول را برافروخته بودند، فریاد بی‌طرفی سرمی‌داد. پیداست که مولف کتاب مسائل ایران را به‌گونه‌ای دیده است که یک سیاستمدار خارجی می‌تواند ببیند. چون او کتاب را برای انتشار در برلین نوشته بود.

ویلهم لیتن (زاده ۵اوت ۱۸۸۰ در سن پترزبورگ- ۲۸ ژانویه ۱۹۳۲ در بغداد) دیپلمات، شرق‌شناس، نویسنده و مترجم آلمانی بود. در طول جنگ جهانی اول، در اوایل سال ۱۹۱۶، او شاهد راهپیمایی مرگ ارامنه در امپراتوری عثمانی بود. گزارش او به نام مسیر وحشت منبعی در مورد نسل‌کشی ارامنه است. از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۴ کنسول در لیباو و از سال ۱۹۲۸ در بغداد و همچنین کاردار رایش آلمان پس از برقراری روابط دیپلماتیک با عراق در آنجا بود.

نشر ماهی این کتاب ۳۰۲صفحه‌ای را به بهای ۷۸هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ ادبیات

همنام

رمان «همنام» نوشته: «جومپا لاهیری» را با ترجمه «گیتا گرکانی» نشر ماهی منتشر کرده است. این رمان، نخستین بار در سال ۲۰۰۳ به انتشار رسید. لاهیری در این رمان جذاب، به شکلی عمیق‌تر و کامل‌تر به تم‌هایی می‌پردازد که باعث شدند اثر قبلی‌اش، «مترجم دردها» به موفقیت‌های فراوانی برسد: تجربه مهاجرت، تضاد فرهنگ‌ها، مشکلات خو گرفتن با محیط جدید و از همه گزنده‌تر، ارتباطات درهم تنیده نسل‌ها. لاهیری دوباره در این رمان، مهارت کم نظیر خود را در خلق جزئیاتی نشان می‌دهد که کلید ورود به دنیایی پر از احساسات و عواطف‌اند. رمان همنام، داستان مهاجرت خانوده گانگولی از کلکته به آمریکا را روایت می‌کند. آشوک و آشیما گانگولی به کمبریج ماساچوست می‌روند. آشوک خیلی راحت‌تر از همسرش می‌تواند با محیط جدید خو بگیرد. زمانی که پسر این زوج به دنیا می‌آید، آنها تصمیم می‌گیرند نام نویسنده‌ای روس را برای او انتخاب کنند. گوگول گانگولی حالا فقط می‌داند که میراث خانوادگی و البته اسم عجیبش، تنها مایه رنج او بوده‌اند. جومپا لاهیری با نام نیلانجانا سودشنا (زاده ۱۱ ژوئیه ۱۹۶۷ در لندن) نویسنده آمریکایی هندی‌تبار است. لاهیری با نخستین اثرش، مجموعه داستان مترجم دردها (۱۹۹۹)، برنده جایزه ادبی پولیتزر در سال ۲۰۰۰ شد. همچنین نخستین رمان او به‌نام همنام (۲۰۰۳) در ساخت فیلمی به همین نام در سال ۲۰۰۷ مورد اقتباس قرار گرفت. نشر ماهی این کتاب ۳۷۰صفحه‌ای را به بهای ۹۵هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ اندیشه

آزادی و خیانت به آزادی

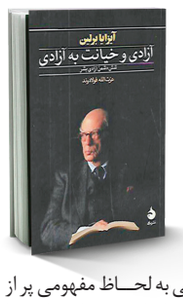

کتاب «آزادی و خیانت به آزادی» نوشته «آیزایا برلین» را عزت‌الله فولادوند به فارسی برگردانده و از سوی نشر ماهی منتشر شده است. این کتاب سخنرانی‌های مشهور یکی از دقیق‌ترین متفکران عصر حاضر است. آیزا برلین در این کتاب راجع به‌خود آزادی بحث می‌کند. مسئله‌ای که امروز حتی به لحاظ مفهومی پر از مناقشه است. این یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ ایده‌ها در آثار برلین است. این سخنرانی‌ها از بسیاری از نوشته‌های بعدی وی واضح‌تر است و بسیار قانع‌کننده است. برلین متقاعد شده بود که با وجود تمجید از آزادی، روشنگری در واقع با آن دشمنی دارد و ضدروشنگری زمینه‌های فکری قوی‌تری برای دفاع و گسترش آزادی ارائه می‌دهد و حتی کسانی که با این تشخیص تفکر مدرن مخالفند باید با آن روبه‌رو شوند. آیزایا برلین (۶ ژوئن ۱۹۰۹ - ۵ نوامبر ۱۹۹۷) فیلسوف سیاسی، اندیشه‌نگار و نظریه‌پرداز سیاسی و استاد دانشگاه و جستارنویسی بریتانیایی بود. آوازه‌اش در بیشتر عمر مرهون گفت‌وگوهای مهم و درخشان، حمله به تحجر، تعصب و تندروی سیاسی و نوشته‌های قابل فهم در زمینه تاریخ اندیشه‌هاست. آیزایا برلین با اینکه مانند اکثر فیلسوفان سیاسی قرن بیستم مهاجر بود، اما در مقایسه با افرادی چون هانا آرنت، هربرت مارکوزه، فریدریش فون هایک و کارل پوپر، در سنین پایین‌تری (چهار سالگی) به کشوری که وطن بعدی‌اش شد، وارد شد.

نشر ماهی این کتاب ۲۶۴صفحه‌ای را به بهای ۱۱۰هزار تومان منتشر کرده است.